خبر

گزارش عملکرد کلی مجمع تشخیص از ابتدا تاکنون ارایه شد

■ **شرق:** در جلسه دیروز مجمع تشخیص مصلحت نظام، با توجه به رو به اتمام بودن دوره پنج‌ساله اخیر این مجمع، گزارشی مصور از عملکرد مجمع از بدو تاسیس تاکنون و دوره پنج‌ساله اخیر، توسط دبیرخانه به اطلاع اعضا رسید. در بخشی از این گزارش آمده است: در مجمع تشخیص مصلحت نظام از بدو تاسیس از سال ۱۳۶۶ تاکنون، طرح‌ها و لوایح اختلافی بررسی‌شده ۱۴۵ مورد، سیاست‌های کلی مصوب ۴۶ مورد، معضلات بررسی‌شده ۴۶ مورد، استفساریه‌های پاسخ داده‌شده ۱۵ مورد، مقررات و آیین‌نامه‌های ارسال‌شده برای رهبری معظم انقلاب پنج مورد، گزارش‌های نظارتی ارسال‌شده برای رهبری معظم‌له و شورای نگهبان سه مورد، سایر موارد از جمله پیشنهادها، کسب تکلیف‌ها و ارجاعات هشت مورد و طرح‌ها و لوایح اختلافی عودت داده شده به مجلس شورای اسلامی برای رفع ابهام ۱۴ مورد بوده است. همچنین در جمع‌بندی عملکرد مجمع تشخیص مصلحت نظام در دوره پنج‌ساله اخیر از اواخر سال ۱۳۸۵ تا پایان نیمه اول بهمن‌ماه سال جاری آمده است: در این دوره ۱۳ مورد از سیاست‌های کلی نظام تصویب و تقدیم رهبری معظم انقلاب شده است که عبارتند از مدیریت و نظام اداری، پدافند غیرعامل، الزامات تحقق سند چشم‌انداز ۲۰ساله کشور، برنامه پنجم توسعه کشور، فرهنگ، آمایش سرزمین، اصلاح الگوی مصرف، بازنگری در تعریف و شاخص‌های سیاست‌های کلی، امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات (افتا)، تحول در نظام آموزش و پرورش، اشتغال، روابط خارجی و حضور در سازمان‌های بین‌الملل و خودکفایی دفاعی. در همین دوره پنج‌ساله، دو مورد رسیدگی به معضل با عناوین زیر انجام شده است که عبارتند از: ضرورت بازنگری و اصلاح قانون تعزیرات حکومتی و اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سال ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام. همچنین درباره رسیدگی به موارد ارجاعی، گزارش‌های نظارتی، انطباق قوانین، سیاست‌های کلی، اصلاح آیین‌نامه و... به هفت مورد مصوبه با عناوین زیر اشاره شده است: انطباق لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور با سیاست‌های کلی مصوب مجمع، الحاق سه بند به سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بررسی پیشنهادهای وزیر سابق کشور و رییس سازمان بازرسی کل کشور در مورد انتخابات، اصلاحیه مقررات نظام بر حُسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، اهم مغایرت‌های لایحه برنامه پنجم توسعه با سیاست‌های کلی برنامه پنجم و اعلام آن به شورای نگهبان و بررسی مغایرت‌های لایحه بودجه ۱۳۹۰ کل کشور با سیاست‌های کلی ابلاغ شده. در ادامه جلسه دیروز همین‌طور، بررسی و تدوین سیاست‌های کلی اجتماعی نظام در دستور کار قرار گرفت.

عماد افروغ: جایگاه اخلاق به محاق رفته است

■ **ایسنا:** یک نماینده پیشین مجلس گفت: نماینده مطلوب برای مجلس نماینده‌ای است که مستقل، پاک و شجاع و معرف نیازهای واقعی مردم باشد و اهل لابی نباشد. عماد افروغ، در ارزیابی از وضعیت اخلاق در شرایط کنونی جامعه ایران، با بیان اینکه «همواره به دنبال پاسخی درخور درباره رابطه اخلاق و سیاست بوده‌ام»، گفت: ریشه این پرسش در ذهن من به این مساله برمی‌گردد که ما با یک معضل بی‌توجهی و حتی بی‌حرمتی به اخلاق مواجه هستیم، به این معنا که نه تنها به اخلاق توجه نمی‌شود، بلکه هتک شده و آموزه‌های دینی و عقیدتی ما در مورد اخلاق پایمال می‌شود. وی با بیان اینکه «بحث رابطه اخلاق و سیاست، فراتر از یک بحث صرفا نظری است»، این پرسش را مطرح کرد که «ریشه‌های بی‌توجهی به اخلاق در جامعه چیست؟» و سپس ابراز عقیده کرد: فضای جامعه ما بیش از حد سیاست‌زده و اقتصادزده است؛ به طوری که جایگاهی که می‌توان برای اخلاق و فرهنگ متوقع بود، به محاق رفته است. وی با بیان اینکه «سیاست‌زدگی بیش از حد به عنوان یکی از عوامل اصلی بی‌اخلاقی‌ها در جامعه ایران است»، تصریح کرد: درباره اینکه تبعات سیاست‌زدگی مفرط چیست، باید گفت هرچه باشد، اخلاقی نخواهد بود. رک و صریح بگویم، اکنون جامعه به گونه‌ای است که گویی همه می‌خواهند با نشان‌دادن تبعیت محض از ولی‌فقیه گوی سبقت را از یکدیگر بربایند اما بر خیلی‌ها روشن است که این تبعیت‌ها آنچنان هم صادقانه و خالصانه نیست. گاهی کسانی دم از تبعیت از ولایت‌فقیه می‌زنند که یا در قدرتند یا می‌خواهند به قدرت برسند. فکر می‌کنم این مساله در شکل ناصادقانه و ریاکارانه آن باید به عنوان یک بیماری اخلاقی مورد توجه قرار گیرد. این استاد دانشگاه ادامه داد: باید دید تبعیت از ولایت فقیه با چه درک و نیتی مطرح می‌شود و آیا کسانی که دم از تبعیت محض از ولایت فقیه می‌زنند درک و نیت درستی از آن دارند و آیا مبانی عقلی آن را می‌دانند؟ هرگز با سطحی‌اندیشی، جاهل پنداشتن مردم و بدون ارایه درک صحیح از ولایت فقیه نمی‌توان دفاع درستی از آن انجام داد. برخی از کسانی که دم از ولایت فقیه می‌زنند این پرسش‌ها را مطرح نمی‌کنند؛ چرا که با نگاه فرصت‌طلبی به آن می‌نگرند و این‌گونه پرسش‌ها را مانع کار خود می‌دانند. افروغ خاطرنشان کرد: برخی افراد نیز ممکن است نیت خالصی در این رابطه داشته باشند که من آن را نفی نمی‌کنم. برای مثال، به‌طور قطع از یک فرد نظامی توقعی بیش از یک تبعیت محض و بی‌چون‌وچرا و ضرورتا توجه به مبانی مفهومی، فلسفی و عقلی آن نیست؛ ولو اینکه یک چنین فرد نظامی، لباس سیاست بر تن کرده باشد؛ اما برای من به عنوان فردی که در مقام نظریه‌پردازی با مفاهیم اسلامی و اندیشه امام(ره) و رهبری آشناست، تبعیت‌گرایی صوری که موجب توجیه یا ماله‌کشی بر یکسری سیاست‌ها شود، قابل‌قبول نیست. این نماینده پیشین مجلس در ادامه اظهار کرد: اگر عقلا و علما بر دهان کسانی بزنند که می‌خواهند از طرح بحث ولایت فقیه بهره‌برداری کنند تا حدودی بستر برای توجه به اخلاق فراهم می‌شود. بیشترین جنس بی‌اخلاقی‌ها از جنس غیریت‌سازی‌های کاذب و صفرویک کردن‌های نارواست و اینکه یکی را طرفدار ولایت و دیگری را متهم به ضدیت با آن کنند. اگر معتقدیم ولایت فقیه ریشه عقلی دارد ـ که دارد ـ در جامعه‌ای که در راس آن ولی‌فقیه است، باید شاهد تجلی عقلانیت باشیم.

علی مطهری در گفت‌وگو با «شرق»:

اگر اصولگرایی این است، من نیستم

ادامه از صفحه اول

عکس: مهدی حسنی، شرق

فکر می‌کردید روزی ردصلاحیت شوید، آن هم به دلیل عدم التزام و اعتقاد به اسلام؟

خیر! فکر نمی‌کردم.

وقتی به شما به عنوان «فرزند شهید مطهری» گفتند که به دلیل عدم اعتقاد به اسلام ردصلاحیت شدید چه حسی داشتید؟

به طور طبیعی انسان احساس می‌کند که کافر شده و دیگر مسلمان نیست. البته چون هیات اجرایی این اتهام را زده بود خیلی جدی نگرفتم اما با خودم فکر کردم مثلا یک شخصی مثل من که پدری مثل شهید مطهری داشته و خانواده‌اش به تدین شناخته شده و سابقه‌اش معلوم است نباید خیلی برایش مهم باشد و این اتهام را به تمسخر گرفتم ولی وقتی کسی که شناخته شده نیست در یک شهر کوچک مشهور می‌شود که به دلیل عدم اعتقاد و التزام عملی به اسلام و عدم وفاداری به قانون اساسی و ولایت فقیه ردصلاحیت شده بالاخره در آنجا معذب می‌شود. به نظر من باید این آقایانی که صلاحیت‌ها را بررسی می‌کنند وقتی می‌خواهند نتیجه را به کاندیدا اعلام کنند به مفهوم حرف‌هایی که می‌زنند توجه داشته باشند. وقتی می‌گویند به استناد بند یک و سه ماده ۲۸ قانون انتخابات ردصلاحیت شده‌اید این یعنی اینکه شما به اسلام نه اعتقاد دارید و نه التزام عملی. به قانون اساسی و ولایت‌فقیه هم پایبند نیستید. این خیلی اتهام و ادعای بزرگی است اما آنها خیلی راحت این اتهام را می‌زنند؛ دست‌کم باید نحوه اعلام مستندها و دلایلشان برای ردصلاحیت افراد را تغییر دهند.

یعنی چه تغییر دهند؛ به هر حال باید اعلام کنند.

مثلا بگویند که قراینی از عدم التزام عملی شما به اسلام و عدم وفاداری به قانون اساسی و ولایت‌فقیه وجود دارد. من فکر می‌کنم هیچ‌کس نمی‌تواند راجع به اعتقاد مردم اظهارنظر کند مگر اینکه آن کسی به صراحت یک ضروری دین مثلا نبوت پیامبر اسلام را انکار کرده باشد. باید این بخش از قانون انتخابات که راجع به اعتقاد افراد حکم می‌دهد، حذف شود. ما می‌گوییم آقایان شما نمی‌توانید به راحتی اعتقاد یا عدم اعتقاد کسی را تشخیص دهید.

زمانی که شما کاندیدای مجلس هشتم شدید یکی از هدف‌هایتان را ایستادگی در مقابل اصلاح‌طلبانی که ممکن است وارد مجلس شوند، اعلام کردید. بعد هم که شورای نگهبان برخی اصلاح‌طلبان را ردصلاحیت کرد عملا شما با افراد جدی از اصلاح‌طلبان مواجه نبودید. ولی الان می‌بینیم که شما اعتراضی را که اصلاح‌طلبان در مجلس ششم و خصوصا در زمان ثبت‌نام برای مجلس هفتم به دلایل ردصلاحیت‌هایشان داشتند ـ که می‌گفتند نمی‌شود اعتقاد را سنجید و اگر شورای نگهبان می‌گوید که به اسلام اعتقاد نداریم ما می‌گوییم اشهدان لااله‌الاالله ـ را مطرح می‌کنید؛ گویا تغییر زیادی در شما صورت گرفته است.

تغییری صورت نگرفته؛ آن زمان ما به این مواضع اصلاح‌طلبان انتقادی نداشتیم. این، حرف درستی است که نمی‌شود به آسانی اعتقاد افراد را سنجید؛ یعنی اینها اساسا نباید درباره اعتقاد افراد اظهارنظر کنند مگر اینکه خود آن فرد به صراحت انکار ضروری دین کرده باشد. تنها ممکن است در مورد عدم التزام عملی به صورت موردی قراینی در دست داشته باشند که البته اثبات همین هم خیلی مشکل است. چون اینکه می‌گویند شما التزام عملی به اسلام ندارید یعنی اینکه مثلا یا نماز نمی‌خوانید یا روزه نمی‌گیرد یا اهل مشروب‌خواری هستید.

اما اتفاقی که می‌افتد، این است که هیات‌های اجرایی هم به این بندها که راجع به اعتقاد افراد است برای ردصلاحیت استنادمی‌کنند.

اساسا این‌گونه حکم دادن راجع به اعتقاد مردم در حیطه اختیار آنها نیست.

مایلم حس مشخص فرزند «شهید علامه مطهری» را در لحظه اعلام خبر ردصلاحیتش به دلیل بی‌اعتقادی به اسلام بدانم.

حس کافری و یک چیزی شبیه مورد تکفیر واقع شدن.

و برایتان سخت نبود بین مردم راه بروید و بگویند فرزند «شهید مطهری» به دلیل عدم اعتقاد به اسلام ردصلاحیت شده.

به نظرم بیشتر برای آنها که این اتهام را به من زدند سخت بود که بین مردم راه بروند؛ وضعیت ما که مشخص است.

آیا در آستانه انتخابات مجلس در حال متولد کردن جریان سومی هستید، منظورم جریان «منتقدان دولت» است که به فهرست انتخاباتی «صدای ملت» معروف شده است؟

بله، می‌شود گفت عملا جریان سوم یا حتی چهارمی در حال تولد است.

و از کی به این نتیجه رسیدید که این جریان را ایجاد کنید؟

البته این‌طور نیست که یک شبه یک چنین مولودی بخواهد متولد شود؛ این جریان طی چند سال اخیر تکامل پیدا کرده و شکل گرفته. در دل جریان اصولگرایی چهار جریان نهفته است؛ یکی تیپ تفکر «جبهه پایداری»، دیگری تفکر «جبهه پیروان امام و رهبری»، سوم جریان «جمعیت ایثارگران» و چهارم تیپ افرادی مانند من.

و این تیپ‌ها چه خصوصیاتی دارند؟

از ویژگی‌های آنها برداشت دگم و جامد از اصل ولایت فقیه است، به آزادی بیان اعتقاد زیادی ندارند و نسبت به دفاع از حقوق مردم بی‌تفاوت هستند و در مجموع احترام زیادی برای آزادی‌ها در چارچوب قانون اساسی قایل نیستند. در واقع نسبت به پایمال شدن حقوق مردم در قبال حفظ نظام بی‌تفاوت هستند. من این تفکر را برای انقلاب اسلامی، کشور و مردم خطرناک می‌دانم. جمعیت ایثارگران هم از نظر نوع نگاه به ولایت‌فقیه و بی‌توجهی به مساله آزادی بیان و حقوق مردم به جبهه پایداری شباهت دارند اما مقداری معتدل‌تر و عاقل‌تر. پیروان امام و رهبری اما یک درجه بهتر هستند. جریان چهارم یا همان صدای ملت جریانی است که یک برداشت درستی از ولایت‌فقیه و آزادی بیان و سایر مبانی اصولگرایی دارد؛ جریانی است معتدل و عقل‌گرا که در طول چند سال اخیر با قانون‌گریزی‌ها و حرمت‌شکنی‌ها مقابله کرده، پای دفاع از حقوق مردم ایستاده، به آزادی‌ها احترام گذاشته و دفاع از حقوق و آزادی‌های مردم در چارچوب قانون اساسی را منافی و متضاد با حفظ نظام نمی‌داند، بلکه مقوم آن هم می‌داند.

و چرایی ایجاد این جریان چهارم چیست؟

دولت نهم و بیشتر دولت دهم؛ اتفاقاتی در دولت‌های نهم و دهم افتاد و قانون‌گریزی‌هایی شد که ما مجبور به موضع‌گیری شدیم. از سوی دیگر حوادثی بعد از انتخابات ۸۸ اتفاق افتاد که در آن حقوق معترضان نادیده گرفته شد و برخوردهای خشنی با معترضان شد. تنها گروهی از اصولگرایان که نسبت به این نوع برخوردها اعتراض کرد همین جریان چهارم است که امروز متولد شده. افرادی مثل بنده بارها نسبت به تضییع حقوق مردم و معترضان تذکر دادیم. این تذکرها و ایستادگی‌ها مقابل تضییع حقوق ملت و مواجهه با قانون‌گریزی دولت خود به خود یک‌چنین جریانی را متولد کرد؛ یعنی شرایط اجتماعی و حوادث روز باعث شد از دل جریان اصولگرایی جریان چهارمی ظهور کند.

دقیقا از چه موقع به این نتیجه رسیدید که این جریان را ایجاد کنید؛ با توجه به اینکه می‌گویید یک‌شبه ایجاد نشده؟

ما وقتی واکنش دوستان اصولگرای خودمان را در مقابل رفتارهای غیرقانونی دولت و همین‌طور در مورد نحوه مواجهه با حوادث بعد از انتخابات دیدیم، احساس کردیم که اینها گاهی اصول، حق، عدالت و انصاف را زیر پا می‌گذارند و به‌دلیل تعصب گروهی برخی حقایق را نادیده می‌گیرند. بنابراین به این نتیجه رسیدیم که اینها اصولگرای واقعی نیستند؛ شاید هم اصولگرایی را تملق و چاپلوسی تلقی می‌کنند.

یعنی اصولگرایی را به حفظ حاکمیت محدود کردند و بس؟

بله، اصولگرایی را به حفظ نظام به هر قیمتی و مساوی قراردادن آن با تملق و چاپلوسی تنزل دادند.

به گفته شما جریان منتقدان دولت در چند مرحله ایجاد شده است؛ مقاومت‌های کم و بیش دولت نهم در مقابل برخی از قانون‌ها، وقایع پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ و بعد هم ایستادگی بیشتر دولت دهم در مقابل برخی از قانون‌گذاری‌ها و مصوبه‌های مجلس.

بله! موضع‌گیری‌های مختلف اصولگرایان در آن موقعیت‌ها خودبه‌خود خط اصولگرایان را از هم جدا کرد و معلوم شد که مدعیان اصولگرایی همه از یک سنخ نیستند.

همه اصولگرا نیستند یا همه از یک سنخ نیستند؟

در واقع مشخص شد که برخی از اینها واقعا اصولگرا نیستند؛ البته قبول دارم که برداشت‌ها از اصولگرایی متفاوت است اما حادثه‌های مختلف، برداشت‌ها و نگاه‌های دور از هم را خیلی واضح‌تر کرد.

یکی، دو نمونه از این موقعیت‌ها که مرزبندی اصولگرایان را روشن‌تر کرد، توضیح دهید.

شاید اولین حادثه قضیه مرحوم آقای کردان بود. یک شخصی به مجلس آمد و در جلسه رای اعتماد ادعا کرد که مدرک دکتری از دانشگاه آکسفورد انگلستان دارد و برگه‌ای را از دور نشان داد که این مدرک است. بعدا معلوم شد این اشتباه بوده؛ اینجا بود که برخوردهای متفاوت اصولگرایان خودش را نشان داد. ما خیلی سریع و صریح اعلام کردیم این مطلب قابل تحمل نیست و نمی‌شود مجلس سکوت کند. گفتیم اصلا برای نظام موجب وهن است که یک نفر خلاف واقع بگوید و بعد وزیر کشور بماند. ولی عده‌ای از اصولگرایان گفتند که مساله مهمی نیست؛ دروغی گفته شده و اشکال ندارد؛ گفتند مگر ما افراد با مدرک قلابی کم داریم. این همه مدرک قلابی وجود دارد، پس لزومی ندارد که اقدام کنیم.

اما دست‌کم دروغ در اسلام گناه کبیره است؟

بله! نگاه خود دولت هم همین بود که اشکالی در این دروغ نمی‌دید. آقای احمدی‌نژاد هم در ملاقات خصوصی که من با ایشان داشتم و هم در جاهای دیگر می‌گفت ما مدرک قلابی زیاد داریم، چرا به این یکی گیر می‌دهید.

شما همان زمان که ماجرای مدرک تقلبی لو رفت ملاقات خصوصی با ایشان داشتید؟

بله، قبل از استیضاح آقای کردان یک ملاقات طولانی داشتم.

و به آقای احمدی‌نژاد چه گفتید.

از ایشان خواستم که قضیه آقای کردان را با مسالمت حل کند؛ یعنی یا عزلش کند یا کاری کند که خودش استعفا دهد تا موضوع به استیضاح نکشد. حتی گفتم ایشان را به عنوان معاون وزیر معرفی کند تا هم آبروی کردان حفظ شود، هم جلسه استیضاحی تشکیل نشود که مسایل و ناگفته‌ها گفته شود.

آقای احمدی‌نژاد چه گفت؟

ما هر چه گفتیم ایشان قبول نکرد و زیر بار نرفت.

یعنی قبول نداشتند که مدرک جعلی است؟

چرا، شاید جعل مدرک را قبول داشتند ولی می‌گفتند مساله مهمی نیست. اما آقای احمدی‌نژاد مساله را سیاسی می‌دید و می‌گفت این کار توطئه آقایان هاشمی و توکلی علیه دولت است و معتقد بود که می‌خواهند دولت را زمین بزنند.

به نظر شما این‌طور بود؟

نه، اصلا! می‌خواهم عرض کنم آنجا معلوم شد که اصولگرایان اختلاف‌های جدی با هم دارند. حوادث بعدی هم که پیش آمد این اختلاف‌ها بیشتر به چشم آمد. مثلا دولت در اجرای برخی از قانون‌ها مقاومت کرد. مثلا دولت اعلام کرد قانون مترو را اجرا نمی‌کند. آقای احمدی‌نژاد صریحا گفت من این قانون را قانون نمی‌دانم و اجرا نمی‌کنم.

و تا الان هم اجرا نکرده و سر حرفش ایستاده.

بله! و خب مدافعان دولت انتظار دارند ما چه کار کنیم. چشم و دهانمان را ببندیم؟! با این حال یک عده می‌گویند چون دولت، دولت اصولگراست نباید ایراد بگیریم و نقد جدی‌ای مطرح کنیم. در واقع می‌گویند قانون‌گریزی هست اما چون قانون‌گریز از اصولگرایان است نباید مزاحمش شویم؛ اما اصلا این معنی ندارد. وقتی شما به عنوان اصولگرا اینجا سکوت می‌کنید؛ یعنی راه استبداد را باز و هموار می‌کنید. با این مقاومت‌ها در مقابل قانون، زاویه استبداد باز می‌شود و اگر ادامه پیدا کند ممکن است در آینده، نظام را به سمت استبداد پیش ببرد. حتی به آنها گفتم اگر در آینده یک دولت اصلاح‌طلب نیز قانونی را اجرا نکند، شما باید سکوت کنید چون امروز سکوت کردید. ما گفتیم مجلس باید وارد شود اما این نگاه‌های متفاوت وجود داشت. در این موقعیت‌ها معلوم شد گرایش‌های مختلف و حتی متضادی بین اصولگراها وجود دارد.

به قول شما یک گرایش، گرایشی است که بین حقوق اساسی مردم و حفظ نظام تعادل برقرار می‌کند و یک گرایش به‌دنبال حفظ نظام به هر قیمتی است.

تقریبا

یعنی شما به دنبال حفظ نظام به هر قیمتی نیستید؟

تعبیر بهتر این است که بگوییم گرایش مقابل ما حقوق مردم را فدای حفظ نظام می‌کند؛ یعنی این‌طور فکر می‌کند که برای حفظ نظام مجاز به انجام هر کاری هستیم و ما این را قبول نداریم؛ چراکه ما و نه هیچ‌کس دیگر مجاز به ظلم نیست. آنچه بالاتر از هر چیز دیگر است حفظ نظام اسلامی است نه هر نظامی.

اولین جلسه‌های رسمی برای تشکیل جبهه منتقدان دولت چه زمانی تشکیل شد؟

مدتی قبل از آنکه فهرست جبهه متحد اصولگرایان اعلام شود. باید بگویم ابتدا خیلی در اعلام موجودیت منتقدان دولت مصمم نبودیم و در حال بررسی شرایط بودیم؛ اما وقتی صریحا اعلام شد که ما را از آنجا کنار گذاشتند دیگر در ضرورت تشکیل این جبهه به یقین رسیدیم.

آیا تشکیل جبهه منتقدان دولت یک واکنش صرف به بیرون ماندن نام‌های برجسته جریان شما؛ یعنی علی مطهری، حمیدرضا کاتوزیان و علی عباسپور از فهرست جبهه متحد اصولگرایان است؟

نه، این‌طور نیست. ما قبل از اعلام فهرست جبهه متحد اصولگرایان تصمیم داشتیم فهرست «صدای ملت» را اعلام کنیم؛ هرچند بنا نبود که من متولی اصلی کار شوم.

پس بنا بر چه بود؟

اینکه دیگران متولی فهرست باشند.

چه کسانی تصمیم گرفتند؟

عده‌ای از نمایندگان و غیرنمایندگان که شاید من نتوانم اسمشان را بگویم.

ادامه در صفحه ۱۵

الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **چرا گرانی حبوبات؟** نخود، لوبیا، حبوبات و سایر مواد غذایی که به قیمت دلار ارتباطی ندارند، چرا در این چند ماه آنقدر گران شده‌اند. چه کسی پاسخگو است؟ قیمت همه کالاها روز به روز گران‌تر می‌شود.

یک شهروند

■ **شرکت برق منطقه یک رسیدگی کند:** بنده ساکن خیابان پاسداران، گلستان دوم هستم. مدت‌هاست که چراغ‌های این خیابان خاموش است، با ۱۲۱ تماس گرفتیم بیش از دو ماه است که وعده می‌دهند ولی متاسفانه اقدامی صورت نگرفته است.

خراسانی

■ **پس گارانتی شامل چه می‌شود؟** یک مشکلی داشتم در ارتباط با گارانتی لوازم خانگی. حدود چهار ماه قبل از شرکت ... یک تلویزیون خریداری کردم، بعد از چهار ماه لامپ تصویرش سوخت، به نمایندگی مراجعه کردم، کارشناس مربوطه گفت دلیل سوختن آن، آب زدن به دستگاه است. به همین دلیل شامل حال گارانتی نمی‌شود، بعد پیگیر شدم و دیدم دستم به جایی بند نیست. آیا سازمانی وجود دارد تا من بتوانم شکایتم را به گوش مسوولی برسانم؟

مبینی از آمل

■ **چرا یارانه‌ها را آنقدر دیر پرداخت می‌کنند؟** پرداخت یارانه‌های نقدی از اول ماه به دوازدهم و حالا هم به هجدهم کشیده شده، اگر همین‌طور پیش برود تا آخر ماه هم کشیده می‌شود.

یک شهروند از اهواز

■ **چرا کارمندان دفترخانه‌ها پنجشنبه‌ها تعطیل نیستند؟** در مورد تعطیلی پنجشنبه‌ها می‌خواستم عرض کنم سازمان ثبت اسناد، قوه قضاییه، کانون سردفتران و همه ادارات تابعه تعطیل هستند. متاسفانه اداره ثبت اسناد و املاک تهران با تعطیلی دفاتر اسناد رسمی که زیرمجموعه ادارات ثبت تهران هستند مخالفت می‌کند. در حالی که باید ساعات کار دفترخانه‌ها با ساعات کار اداره ثبت محل منطبق باشد. کارمندان دفترخانه‌ها خواهان تعطیلی پنجشنبه‌ها هستند

یک مخاطب

■ **سوال از شورای شهر:** در روزنامه ۲۶ بهمن خواندم که شورای شهر نگران تخلفات ساختمانی در شهرداری‌هاست. سوالم از همکاران شورای شهر این است که مگر خود شما ضوابط شهرسازی صدور پروانه را تعطیل نکردید و به دفاتر الکترونیک که تماما وابسته به خودتان است کار را ارجاع ندادید.

یک شهروند

■ **قابل توجه شهرداری مارلیک:** ساکنان خیابان دکتر حسابی واقع در فاز سه شهرک مارلیک از مسوولان شهرداری تقاضا دارند به آسفالت این خیابان رسیدگی کنند و کوچه‌های فرعی منشعب از خیابان دکتر حسابی را دریابند که پاشنه کفش ساکنان را از جا می‌کند.

کوروش آسوده‌کار